

قراءات منسوب به اهل بیت (علیهم السلام) در مجمع البیان *

محمدتقی دیاری بیدگلی ** شهلا نوری ***

چکیده

بدون تردید، منشأ بسیاری از قراءات مختلف، اجتهاد قرآء و مقربان است و به ندرت به روایات نبوی (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) منتهی می شود. تحقیق حاضر پیرامون اختلاف قراءات در روایات اهل بیت (علیهم السلام) در تفسیر مجمع البیان انجام شده است. آمار و گزارشی که از فراوانی و بسامد روایات شاذ و غیر شاذ و... در این تفسیر تهیه گردیده، نشان می دهد که از مجموع ۱۴۵ روایت نقل شده، ۱ روایت با سند غیر قابل قبول از امام صادق (علیه السلام) نقل شده، و ۱۴۴ روایت آن بدون ذکر سلسله سند به اهل بیت (علیهم السلام) منسوب گردیده است.

در این پژوهش، بررسی هایی که در گونه های اختلاف قراءات و کارکرد و تأثیر آنها در تفسیر و فهم معانی آیات پرداخته شده، نشانگر آن است که این روایات یا در حوزه اختلاف قراءاتی است که به صیانت قرآن از تحریف لطمه نمی زند یا در مقام بیان معنا و تفسیر آیه است که از روی سهل انگاری به عنوان اختلاف قراءات مطرح شده است یا از تفردات خلیفه دوم بوده که به اهل بیت (علیهم السلام) منسوب گردیده است.

واژگان کلیدی: قراءات، روایات تفسیری، تحریف، اهل بیت (علیهم السلام)، مجمع البیان، امین الاسلام طبرسی.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۰ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۴/۳

**. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشکده قم mt_diari@yahoo.com (نویسنده مسئول)

***. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم shhlnr119@gmail.com

مقدمه

یکی از مباحث مهم قرآن‌پژوهی - که از جنبه‌های علمی و عملی برخوردار است - بحث قرائات قرآن است که از دیرباز مورد توجه دانشمندان علوم قرآن و مفسران بوده است؛ به گونه‌ای که تنها از سال ۱۵۰ تا ۳۰۰ هجری بیش از شصت عنوان کتاب در موضوع قرائات نگاشته شده است [۱] این حرکت با فراز و نشیب‌هایی تا روزگار کنونی ادامه دارد.

لکن آنچه در این عرصه کمتر بدان پرداخته شده، پالایش روایات تفسیری و قرائات گوناگون منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام است؛ زیرا مسئله اختلاف قرائات یکی از آفت‌ها و آسیب‌های مهم در تفاسیر قرآن کریم به‌شمار می‌رود. گرچه در حال حاضر در بیشتر آیات قرآن اختلافی وجود ندارد و اکثر جوامع و بلاد اسلامی طبق قرائت عاصم به روایت شاگردش حفص اتفاق نظر دارند و قرآن را طبق آن می‌خوانند، [۲] شماری از مفسران فریقین با توجه به برخی روایات تفسیری و قرائات گوناگون منسوب به صحابه و اهل بیت علیهم‌السلام تفسیرهای متفاوت و متعارضی را از آیات قرآن مطرح کرده‌اند؛ مانند قرائات مالک و ملک در آیه چهارم سوره فاتحه (ر.ک: دیاری بیدگلی، ۱۳۹۰: ۱۹۸-۲۰۹؛ نیز همو ۱۳۹۱: ۱۳۵-۱۶۰).

نگارنده در این پژوهش درصدد آن است که گزارشی از اختلاف قرائت‌هایی را که مرحوم طبرسی در «مجمع البیان فی تفسیر القرآن» از معصومان علیهم‌السلام نقل کرده، فراوی خوانندگان محترم قرار دهد، سپس به طرح گونه‌هایی از اختلاف قرائات و میزان تأثیر و کارکرد آنها در تفسیر قرآن بپردازد.

هدف از پژوهش این است که ساحت مقدس اهل بیت علیهم‌السلام را از قرائات شاذ و قرائاتی که مغایر معنای قرآن است یا موجب تحریف می‌گردد، مبرا شود. [۳] شایان ذکر است که به دلیل گستردگی بحث، شاید نتوان در این تحقیق به‌طور کامل به هدف نهایی دست یافت، اما می‌توان زمینه را برای پژوهش‌های بعدی فراهم کرد. قبل از ورود به اصل موضوع، به عنوان مقدمه به‌اختصار به تعریف اصطلاحی «قرائت» و «روایات تفسیری» می‌پردازیم.

مفهوم‌شناسی قرائت

قرآن‌پژوهان تعاریف گوناگونی از مفهوم اصطلاحی قرائت ارائه نموده‌اند، در اینجا فقط برای نمونه به چند مورد آن بسنده می‌شود. زرکشی می‌گوید: قرائت عبارت است از اختلاف مربوط به الفاظ و جملات وحی که این اختلاف در ارتباط با حروف و کلمات قرآن و کیفیت آنها از جمله تخفیف و تشدید و امثال آنها که از سوی قراء نقل شده است (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱، ۴۶۵).

آیت الله معرفت چنین تعبیر کرده که قراءات قرآن در اصطلاح صورت‌های خواندن کلام خداوند متعال است (معرفت، ۱۴۱۱: ۱، ۹).

به نظر می‌رسد بیشتر دانشمندان اعم از شیعه و سنی بر این باورند که قرائت عبارت است از طرق و روایات قرآنی که با اسناد به ثبوت رسیده است؛ از این رو، هر روشی در خواندن و تلاوت قرآن که مستند به روایت و نقل از پیامبر ﷺ نباشد، در معنای اصطلاحی قرائت جای نخواهد گرفت؛ گرچه مشهور باشد و یا حتی بر اساس و مبنای صحیحی از عربیت باشد و لفظ قرآن امکان انطباق با آن را دارا باشد. لذا قرائت مستند به نقل صحیح و مستند به پیامبر ﷺ همیشه اصل و کتابت بر اساس آن شکل گرفته است (حجتی، ۱۳۸۲: ۲۵۰).

روایات تفسیری

روایات تفسیری به آن دسته از روایات گفته می‌شود که از معصومان (علیهم‌السلام) برای تبیین مفاد آیات قرآن کریم صادر شده باشد. چنانچه برخی گفته‌اند: مراد از روایات تفسیری، احادیثی است که به شأنی از شئون آیات قرآن کریم مربوط باشد، خواه به نزول آن مربوط باشد یا به قرائت آن و یا به بیان معانی ظاهری آیه بپردازد یا به معانی باطنی، به تنزیل آیات برگردد یا به تأویل آنها. توضیح سخن اینکه حدیث تفسیری با وصف حدیث بودنش، شامل هر آن چیزی است که از گونه‌ای از خصوصیات و حالات معصومان (علیهم‌السلام)، گفتارشان، کردارشان و یا امضایشان، حکایت کند و با قید تفسیری شامل احادیثی می‌گردد که ممکن است به تبیین معانی قرآن کریم مدد رساند (احسان فر لنگرودی، ۱۳۸۵: ۴۶۵ و ۴۶۶؛ رستم‌نژاد، ۱۳۹۰: ۳۰).

فراوانی اختلاف قرائات در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)

تعداد روایاتی را که مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان ذیل بحث «القراءة» از معصومان (علیهم‌السلام) نقل کرده به ۱۴۵ (یکصد و چهل و پنج) روایت می‌رسد که در قرائت آیات و سور زیر آمده است:

سه روایت به «اهل بیت (علیهم‌السلام)» در قرائت سه سورة حمد: ۶؛ فرقان: ۷۴؛ نحل: ۲۶ منسوب است. یک روایت به نام «ائمة الهدی (علیها‌السلام)» در قرائت سورة ق: ۱۹ نقل شده است. ده روایت از «نبی مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)» در قرائت سوره‌های یونس: ۵۸؛ رعد: ۴۳؛ کهف: ۸۲؛ مؤمنون: ۶۰؛ سجده: ۱۷؛ محمد: ۲۲؛ واقعه: ۸۲ و ۸۹؛ لیل: ۳؛ ضحی: ۳ نقل شده است.

یک روایت از «فاطمه زهراء (علیها‌السلام)» در قرائت سورة توبه: ۲۸ نقل شده است. پنجاه و پنج روایت به «علی بن ابیطالب (علیه‌السلام)» در قرائت سوره‌های زیر منسوب است: حمد: ۷؛ بقره: ۲۳۴؛ آل عمران: ۳۶؛ انعام: ۳۳، ۹۹ و ۱۵۹؛ اعراف: ۱۲۷؛ انفال: ۲۵؛ هود: ۴۲؛ یوسف: ۲۳، ۳۰ و ۱۱۰؛ رعد: ۱۱، ۳۱ و ۴۳؛ ابراهیم: ۳۷ و ۴۶؛ نحل: ۴۱؛ اسراء: ۵، ۱۶ و ۱۰۶؛ کهف: ۷۷ و ۱۰۲؛ مریم: ۶؛ طه: ۹۷؛ انبیاء: ۹۸؛ نور: ۲۲ و ۵۱؛ فرقان: ۲۰ و ۳۶؛ عنکبوت: ۳؛ روم: ۴۸؛ یس: ۵۲؛ صافات: ۱۰۳؛ زخرف: ۷۷؛ احقاف: ۱۵ و ۲۲؛ نجم: ۱۵؛ واقعه: ۸۲؛ تحریم: ۳؛ نبأ: ۲۸؛ تکویر: ۸؛ مطففین: ۲۶؛ غاشیه: ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰؛ لیل: ۳؛ زلزله: ۶ و ۷؛ عادیات: ۵؛ تکاثر: ۶؛ اخلاص: ۱.

دوازده روایت از «امام زین العابدین (علیه‌السلام)» در قرائت سوره‌های انفال: ۱؛ توبه: ۱۱۸؛ هود: ۵؛ یوسف: ۳۰ و ۱۱۰؛ رعد: ۳۱؛ مریم: ۵؛ نمل: ۱۳؛ سبأ: ۱۴؛ یس: ۳۰ و ۳۸؛ طلاق: ۱ نقل شده است.

بیست و پنج روایت به «امام باقر (علیه‌السلام)» در قرائت سوره‌های بقره: ۱۱۹؛ مائده: ۹۵؛ انفال: ۱ و ۲۵؛ توبه: ۱۹، ۱۱۲ و ۱۱۸؛ هود: ۵ و ۴۲؛ یوسف: ۳۰ و ۱۱۰؛ ابراهیم: ۳۴ و ۳۷؛ نحل: ۶۲؛ مریم: ۵؛ حج: ۳۶؛ نور: ۳۰؛ سبأ: ۱۹؛ یس: ۳۸؛ محمد: ۳۱؛ حجرات: ۶؛ واقعه: ۸۹؛ عبس: ۶ و ۱۱۰؛ تکویر: ۸ منسوب است.

سی و هشت روایت به «امام صادق (علیه‌السلام)» در قرائت سوره‌های آل عمران: ۲؛ مائده: ۸۹ و ۹۵؛ انعام: ۳۳؛ انفال: ۱؛ توبه: ۱۲، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۱۹؛ هود: ۵ و ۴۲؛ یوسف: ۳۰،

قراءات منسوب به اهل بیت (ع) در مجمع البیان *قراش پڑھی* / ۸۷

۴۸، ۴۹ و ۱۱۰؛ رعد: ۱۱؛ ابراهیم: ۳۴ و ۳۷؛ حجر: ۴۱؛ مریم: ۶؛ انبیاء: ۹۵؛ حج: ۲۷ و ۴۰؛ نور: ۳۳؛ فرقان: ۱۸؛ عنکبوت: ۳۰؛ لقمان: ۲۷؛ سبأ: ۱۴؛ یس: ۳۸؛ صافات: ۱۰۳ و ۱۴۷؛ الرحمن: ۴۳؛ طلاق: ۱؛ تکویر: ۸؛ شمس: ۱۵؛ لیل: ۳ منسوب است.

بنابراین، روایات نقل شده در مجمع البیان از پیامبر گرامی اسلام ﷺ، فاطمه زهراء ﷺ، علی بن ابیطالب ﷺ، زین العابدین ﷺ، امام محمدباقر ﷺ و امام جعفر صادق ﷺ است و از باقی امامان روایتی نقل نشده است. بیشترین روایت به امام علی ﷺ و کمترین روایت به حضرت زهراء ﷺ منسوب است. (ر.ک: جدول شماره ۱ بخش ضمائم).

لازم به ذکر است که در تفسیر مجمع البیان در مورد هشت سوره از قرآن کریم اختلاف قراءات مطرح نشده است؛ یعنی سوره‌های جمعه، شرح، تین، علق، عصر، کوثر، نصر و فلق. از طرفی در مورد پنجاه و دو سوره از قرآن کریم اختلاف قراءات مطرح شده، اما روایتی از اهل بیت ﷺ پیرامون آنها نقل نشده است؛ یعنی سوره‌های نساء، شعراء، قصص، احزاب، فاطر، ص، زمر، غافر، فصلت، شوری، دخان، جاثیه، فتح، ذاریات، طور، قمر، حدید، مجادله، حشر، ممتحنه، صف، منافقون، تغابن، ملک، قلم، الحاقه، معارج، نوح، جن، مزمل، مدثر، قیامت، انسان، مرسلات، نازعات، انفطار، انشقاق، بروج، طارق، اعلیٰ، فجر، بلد، قدر، بینه، قارعه، همزه، فیل، قریش، ماعون، کافرون، مسد و ناس.

برخی از روایاتی را که مرحوم طبرسی در اختلاف قراءات از اهل بیت ﷺ نقل کرده، محدث نوری در کتاب «فصل الخطاب» آنها را دال بر تحریف قرآن دانسته، به آنها استناد کرده است. اما علامه عسگری در جلد سوم کتاب «القرآن الکریم و روایات المدرستین» همه مستندات محدث نوری را با دلایلی مردود و بی‌اساس دانسته است. تعداد این روایات به هفتاد و هشت روایت می‌رسد که پیرامون قراءت سوره‌های ذیل زیر است: حمد: ۷؛ مائده: ۸۹ و ۹۵؛ انعام: ۳۳؛ انفال: ۱ و ۲۵؛ توبه: ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۱۹ و ۱۲۸؛ هود: ۵، ۴۲؛ یوسف: ۲۳ و ۳۰؛ رعد: ۱۱ و ۳۱؛ ابراهیم: ۳۷؛ حجر: ۴۱؛ اسراء: ۵، ۱۶ و ۱۰۶؛ کهف: ۷۷ و ۱۰۲؛ مریم: ۵ و ۶؛ طه: ۹۷؛ انبیاء: ۹۵ و ۹۸؛ حج: ۲۷، ۳۶ و ۴۰؛ مؤمنون: ۶۰؛ نور: ۳۳؛ فرقان: ۱۸، ۲۰، ۳۶ و ۷۴؛ نمل: ۱۳؛ عنکبوت: ۳؛ روم: ۴۸؛ لقمان: ۲۷؛ سجده: ۱۷؛ سبأ: ۱۴؛ یس: ۳۰، ۳۸ و ۵۲؛ صافات: ۱۰۳ و ۱۴۷؛ زخرف: ۷۷؛ احقاف: ۴ و ۱۵؛ محمد: ۱۵، ۲۲ و ۳۱؛ حجرات: ۶؛ ق: ۱۹؛ رحمان: ۴۳؛ واقعه: ۸۲ و ۸۹؛ طلاق: ۱؛ تحریم: ۳؛ نبأ: ۲۸؛

عبس: ۶ و ۱۰؛ تکویر: ۸؛ مطففین: ۲۶؛ غاشیه: ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰؛ شمس: ۱۵؛ لیل: ۳؛ ضحی: ۳؛ زلزله: ۶ و ۷؛ عادیات: ۵؛ تکاثر: ۶.

در میان روایاتی که در مجمع البیان از اهل بیت (علیهم‌السلام) نقل شده، شانزده روایت آن روایت شاذ است که بعداً به آنها اشاره خواهد شد و صد و بیست و نه روایت دیگر غیرشاذ است که در قرائت سوره‌های ذیل آمده است: حمد: ۷؛ بقره: ۱۱۹؛ آل عمران: ۳۶؛ مائده: ۸۹ و ۹۵؛ انعام: ۳۳، ۹۹ و ۱۵۹؛ اعراف: ۱۲۷؛ انفال: ۱ و ۲۵؛ توبه: ۱۲، ۳۷، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۸ و ۱۱۹؛ یونس: ۵۸؛ هود: ۵ و ۴۲؛ یوسف: ۲۳، ۳۰، ۴۶، ۴۹ و ۱۱۰؛ رعد: ۱۱، ۳۱ و ۴۱؛ ابراهیم: ۳۴ و ۳۷؛ حجر: ۴۱؛ نحل: ۲۶، ۴۱ و ۶۲؛ اسراء: ۵، ۱۶ و ۱۰۶؛ کهف: ۷۷ و ۱۰۲؛ مریم: ۵ و ۶؛ طه: ۹۷؛ انبیاء: ۹۵ و ۹۸؛ حج: ۲۷، ۳۶ و ۴۰؛ نور: ۲۲، ۳۳، ۵۱ و ۶۰؛ فرقان: ۱۸، ۲۰ و ۷۴؛ عنکبوت: ۳؛ روم: ۴۸؛ لقمان: ۲۷؛ سبأ: ۱۴ و ۱۹؛ یس: ۳۰، ۳۸ و ۵۲؛ صافات: ۱۰۳؛ زخرف: ۷۷؛ احقاف: ۴ و ۱۵؛ محمد: ۵، ۲۲ و ۳۱؛ حجرات: ۶؛ نجم: ۱۵؛ الرحمن: ۴۳؛ واقعه: ۸۲ و ۸۹؛ طلاق: ۱؛ تحریم: ۳؛ نبأ: ۲۸؛ عبس: ۶ و ۱۰؛ تکویر: ۸؛ مطففین: ۲۶؛ غاشیه: ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰؛ الشمس: ۱۵؛ الیل: ۳؛ زلزله: ۷ و ۸؛ عادیات: ۵؛ تکاثر: ۶؛ اخلاص: ۱.

مرحوم طبرسی تقریباً همه روایات اختلاف قرائات را در مجمع البیان بدون سند از اهل بیت (علیهم‌السلام) آورده است. تنها یک روایت را با سند ذکر کرده که قابل اعتنا نیست. در مورد آیه ۱۲ سوره توبه می‌فرماید: «لاَ أَيْمَانَ لَهُمْ وَ قَرَأَ ابْنُ عَامِرٍ لَا إِيمَانَ بِكُسْرِ الهمزة و رواه ابن عقدة بإسناده عن عريف بن الوضاح الجعفی عن جعفر بن محمد (علیه‌السلام)» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵، ۱۶؛ شریعت، ۱۳۷۰: ۲۷۴). این روایت در هیچ‌کدام از کتب معتبر حدیثی شیعه نیامده است؛ گرچه با همین عبارات از میان متون شیعه تنها در بحارالانوار نقل شده، با این تفاوت که به جای نام «عریف»، «عزیز» آمده و در پاورقی به نام عریف نیز اشاره شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱، ۲۷۱)، اما در کتاب رجال طوسی، عریف بن الوضاح الجعفی (با غین) ذکر شده که از اصحاب ابو جعفر بن محمد بن صادق (علیه‌السلام) به شمار آمده است (طوسی، بی‌تا: ۲۶۸). مهم آن است که در این روایت، قرائت ابن عامر شامی (۱۱۸ق) که شاگرد عثمان بن عفان است و دو راوی او عبدالله بن ذکوان و هشام بن عمار، از طریق ابن عقده (۲۴۹-۳۳۲ق) و عریف بن وضاح به امام صادق (علیه‌السلام) نسبت داده شده و سند روایت نیز به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌رسد.

قرائات منسوب به اهل بیت (ع) در مجمع البیان / قرائت‌پژوهی ۸۹

نمی‌رسد و روایت مرسل است؛ بنابراین، روایت ضعیف است و نمی‌توان آن را از روایات امام صادق (ع) دانست و بر قرائت ایمان با کسر همزه در آیه صحه گذاشت.

وی در ذیل سوره توبه آیه ۱۱۰ می‌فرماید: «إِلَّا أَنْ تَقْطَعَ وَ قَرَأَ يَعْقُوبُ وَ سَهْلٌ إِلَى أَنْ عَلَى أَنَّهُ حَرَفُ الْجَرِّ وَ هُوَ قِرَاءَةُ الْحَسَنِ وَ قَتَادَةَ وَ الْجَحْدَرِيَّ وَ جَمَاعَةً وَ رَوَاهُ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵، ۱۰۶). در این روایت که می‌فرماید: رواه البرقی عن ابی عبدالله، سلسله راویان ذکر نشده، پس قابل اعتناء نیست (ر.ک: جدول شماره ۴ بخش ضمائم).

قرائت‌های سازگار با روایت حفص

از تعداد یکصد و چهل و پنج روایات یادشده پیرامون اختلاف قرائات، با توجه به اینکه پاره‌ای از روایات به‌طور مشترک از دو یا چند امام نقل شده، در مجموع هشت روایت است که قرائت حفص از عاصم نیز با آنها سازگار است که:

۱. روایتی که در قرائت آیه ۱۲۷ سوره اعراف به حضرت علی (ع) منسوب است: «روى عن علي بن أبي طالب (ع) و ابن عباس و ابن مسعود و أنس بن مالك و علقمة و غيرهم و يذرك و ألهتك» (همان، ۱۳۷۲: ۴، ۷۱۵). در این روایت قرائت «و يذرك و ألهتك» که بدون هیچ‌گونه اعرابی ذکر شده، نشان می‌دهد که در روایت حفص از عاصم هم به همین صورت قرائت شده است.

۲. روایتی که در قرائت آیه ۱۱۰ سوره یوسف، به‌طور مشترک به حضرت علی (ع) امام زین العابدین (ع) امام باقر (ع) و امام صادق (ع) منسوب است: «قرأ أهل الكوفة و أبو جعفر (كذبوا) بالتخفيف و هي قراءة علي و زين العابدين و محمد بن علي و جعفر بن محمد و زيد بن علي و ابن عباس و ابن مسعود و سعيد بن جبیر و عكرمة و الضحاک و الأعمش و غيرهم» (همان، ۵، ۴۱۲) قرائت «كذبوا» با تخفیف از چهار امام نقل شده، که قرائت حفص از عاصم با آن یکسان است.

۳. روایتی که در قرائت آیه ۲۲ سوره محمد، به‌طور مشترک به نبی مکرم اسلام (ص) و امام علی (ع) منسوب است: «روى عن النبي (ص) فهل عسيتم إن وليتم و عن علي (ع) «إِنْ تَوَلَّيْتُمْ» قال أبو حاتم معناه إن تولاكم الناس» (همان، ۹، ۱۵۷). در اینجا دو اختلاف قرائت در تلفظ «ان توليتم» بیان شده که یکی به پیامبر (ص) و دیگری به حضرت علی (ع)

منسوب است که قرائت حفص از عاصم با قرائت دوم مطابقت دارد.

۴. روایتی که در قرائت آیه ۹۵ سوره انبیاء از امام صادق (ع) نقل شده است: «قرأ حمزة والكسائي وأبو بكر و حرم بكسر الحاء بغير ألف و الباقون (و حرام) و هو قراءة الصادق (ع)» (همان، ۷، ۹۸) در این روایت قرائت «حرام» که قرائت امام صادق (ع) است با قرائت حفص از عاصم که به همین شکل گزارش شده، یکسان است. بنابراین، یکصد و سی و چهار روایت دیگر که پیرامون اختلاف قرائات در مجمع البیان نقل شده روایت حفص از عاصم از آن آیات مخالفت دارد که به نمونه‌هایی از آنها در ضمن مباحث بعدی اشاره خواهد شد (ر.ک: جدول شماره ۲ بخش ضمائم).

قرائت‌های شاذ

شانزده روایت شاذ از معصومان (ع) پیرامون اختلاف قرائات‌ها در تفسیر مجمع البیان نقل شده که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

۱. قرائت در تقدیم و تأخیر

مانند روایتی که در مورد نحوه قرائت آیه نوزده سوره ق به ائمه (ع) منسوب است: «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ»؛ فی الشواذ قراءة أبي بكر عند خروج نفسه و جاءت سكرة الحق بالموت و هي قراءة سعيد بن جبیر و طلحة و رواها أصحابنا عن أئمة الهدى (ع) (همان، ۹، ۲۱۴) در این قرائت قلب صورت گرفته و آیه این گونه قرائت شده «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْحَقِّ بِالْمَوْتِ» از قرائت‌های شاذ ابوبکر است که بدون ذکر سلسله سند از ائمه (ع) هم نقل شده است. در بحث گونه‌های اختلاف قرائات در مورد این قرائت به تفصیل بحث می‌کنیم.

۲. قرائت به کاستی در حروف

مانند روایت شاذی که درباره قرائت آیه هفده سوره سجده از نبی مکرم اسلام (ص) نقل شده است: «مِنْ قُرَّةٍ أَعْيِنَ»؛ روی فی الشواذ عن النبي (ص) و أبي هريرة و أبي الدرداء و ابن مسعود قرأت أعین (همان، ۸، ۵۱۶). در این قرائت که به ابن مسعود هم نسبت داده شده «قرأت أعین» قرائت شده و «من» حذف گردیده است. همچنین قرائت شاذی که در مورد آیه «وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى» (لیل: ۳) از پیامبر (ص) نقل شده است: «فی الشواذ قراءة النبي (ص) و قراءة على بن أبي طالب (ع) و ابن مسعود و أبي الدرداء و ابن عباس «و النهار إذا

قرائات منسوب به اهل بیت (ع) در مجمع البیان **قرائت پڑھی** / ۹۱

تجلی و خلق الذکر و الأنثی» بغیر ما و روی ذلک عن أبی عبد الله علیه السلام» (همان، ۱۰، ۷۵۸) که در این قرائت «ما» از آیه حذف شده است.

۳. قرائت به تغییر حرف موصوله به حرف جاره

مانند قرائت شاذی که در مورد سوره رعد آیه ۴۳ ﴿وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است: «فی الشواذ قراءة النبی صلی الله علیه و آله و علی و ابن عباس و سعید بن جبیر و عکرمه و ابن أبی إسحاق و الضحاک و الحکم بن عیینه و من عنده علم الکتاب بکسر المیم و الدال و قراءة علی و الحسن و ابن السمیف و من عنده علم الکتاب» (همان، ۶، ۴۶۰). در این قرائت «وَمَنْ عِنْدَهُ...» به صورت «وَمِنْ عِنْدِهِ» قرائت شده است. این قرائت از تفردات عمر بن خطاب است که به پیامبر صلی الله علیه و آله هم نسبت داده شده است. قرائت معروف بین شیعه و اهل سنت همان قرائت مشهور است که مقصود از «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» از نظر شیعه، ائمه معصومین علیهم السلام و راسخان در علم به ویژه حضرت علی علیه السلام است که در تفاسیر بر آن اشاره شده است، لکن عمر قرائت دیگری، مختص به خود دارد و آن چنین است: «وَمِنْ عِنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ» که بر اساس قرائت او، ضمیر «عنده» به خداوند بر می‌گردد. در کنز العمال و الدر المنثور نیز همین نسبت و قرائت از عمر نقل شده است (مؤدب، ۱۳۷۸: ۹۰).

۴. قرائت به تغییر مد به قصر

مانند قرائت شاذی که در مورد سوره مؤمنون آیه ۶۰ ﴿وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا﴾ از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است: «فی الشواذ قراءة النبی ص و عائشة و ابن عباس و قتادة و الأعمش یأتون ما أتوا مقصورا» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷، ۱۷۵). در این قرائت «يُؤْتُونَ مَا آتَوْا» به صورت مقصور «يأتون ما أتوا» قرائت شده است.

۵. قرائت به تغییر در اعراب

مانند قرائت شاذی که درباره سوره کهف آیه ۸۲ ﴿وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ﴾ از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: «و فی الشواذ قراءة النبی صلی الله علیه و آله جدارا» در این قرائت «وَأَمَّا الْجِدَارُ» «جدارا» قرائت شده است.

۶. قرائت به تغییر تشدید به تخفیف

مانند قرائت شاذی که درباره سوره ضحی آیه ۳ ﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى﴾ از پیامبر ﷺ نقل شده است: «فی الشواذ عن النبی ﷺ و عروة بن الزبير ما ودعك بالتخفيف» (همان، ۱۳۷۲: ۱۰، ۷۶۲). در این قرائت «ما ودعك» به تخفیف دال خوانده شده است.

۷. قرائت به تغییر فعل مجهول به معلوم

مانند قرائت شاذی که درباره سوره بقره آیه ۲۳۴ ﴿وَالَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ﴾ از امام علی علیه السلام نقل شده است: «روی فی الشواذ عن علی علیه السلام يتوفون بفتح الياء» (همان، ۲، ۵۸۹).

۸. قرائت به تغییر نون خفیفه به نون تأکید ثقیله

مانند قرائت شاذی که درباره سوره فرقان آیه ۳۶ ﴿فَدَمَّرْنَا هُمْ تَدْمِيرًا﴾ نقل شده است: فی الشواذ قراءة مسلم بن محارب فدمرناهم تدميرا على التأكيد بالنون الثقيلة و روی ذلك عن علی علیه السلام و عنه فدمرناهم و هذا كأنه أمر لموسى و هارون أن يدمراهم (همان، ۷، ۲۶۴).

۹. قرائت به تغییر افعال ناقصه به افعال مقاربه

مانند قرائت شاذی که درباره سوره ابراهیم آیه ۴۶ ﴿وَإِنْ كَانَ مَكْرَهُمْ لِلتَّرْزُولِ﴾ نقل شده است: «فی الشواذ عن علی علیه السلام و عمرو بن مسعود و أبی بن کعب و إن کاد مکرهم لتزول» (همان، ۶، ۴۹۵) این قرائت نیز یکی دیگر از تفردات عمر بن خطاب است که به امیرالمؤمنین علیه السلام هم نسبت داده شده است. عمر آیه مذکور را چنین «و ان کاد مکرهم» قرائت می نمود؛ یعنی کلمه «کان» را که قرائت معروف و مشهور است، به شکل «کاد» می خوانده است. در کنز العمال آمده است که عکرمه چنین گزارش نموده است که عمر بن خطاب چنین می خوانده است: «کاد مکرهم» با دال. سیوطی نیز همین قرائت را از عمر نقل می کند. سیوطی و دیگران بیان داشته اند که او قرائت غیر معروف (ان کاد مکرهم) را ترجیح می داده است در حالی که قرائت معروف را هم تکذیب نموده است (مؤدب، ۱۳۷۸: ۹۱).

۱۰. قرائت به تغییر و تبدیل کلمه

مانند قرائت شاذی که درباره سوره سبأ آیه ۱۴ ﴿تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ﴾ نقل شده است: «فی

قراءات منسوب به اهل بیت (ع) در مجمع البیان **قراآت پُرشی** / ۹۳

الشواذ قراءة ابن عباس و الضحاک تبینت الإنس و هو قراءة علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام و أبی عبد الله علیه السلام (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸، ۵۹۵). در این قرائت که به امام زین العابدین علیه السلام و امام صادق علیه السلام منسوب است، کلمه «جن» به «انس» تغییر یافته است. به زودی در مورد این قرائت بحث می‌کنیم.

۱۱. قرائت به تغییر کلمه مفرد به جمع

مانند قرائت شاذی که درباره سوره توبه آیه ۱۹ «أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» نقل شده است: «فی الشواذ قراءة محمد بن علی الباقر علیه السلام و ابن الزبیر و أبی وجرة السواری و أبی جعفر السعدی القارئ أ جعلتم سقاة الحاج و عمرة المسجد الحرام» (همان، ۵، ۲۲). در این قرائت کلمات «سقایة و عمارة» به صورت «سقاة و عمرة» قرائت شده است.

۱۲. تغییر کلمه ای به کلمه دیگر

مانند قرائت شاذی که درباره سوره آل عمران آیه ۲ «الْحَيُّ الْقَيُّومُ» نقل شده است: «روی فی الشواذ عن عمر بن الخطاب و ابن مسعود و إبراهيم النخعی و الأعمش و عن زید بن علی بن الحسین و عن جعفر بن محمد الصادق و عن النبی صلی الله علیه و آله الحی القیام» (همان، ۲، ۶۹۴). این قرائت نیز یکی دیگر از تفردات عمر بن خطاب است که به پیامبر صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام هم نسبت داده‌اند. عمر آیه شریفه مذکور را «الحی القیام» قرائت نموده است. در کنز العمال هم آمده است که عمر در نماز سوره آل عمران را شروع نمود و چنین قرائت نمود: «الم الله لا اله الا هو الحی القیام»، در حالی که در مستدرک حاکم آمده است که او بر قرائت معروف یعنی «الحی القیوم» نیز می‌خوانده است. از این گزارش بر می‌آید که برای عمر هر دو شکل مجاز بوده است و نص خاصی برای او تعیین نداشته است (مؤدب، ۱۳۷۸: ۸۹؛ ر.ک: جدول شماره ۳ بخش ضمایم).

گونه‌های اختلاف قرائات در روایات اهل بیت علیهم السلام

در اینجا گونه‌هایی از اختلاف قرائات که تغییر معنوی در پی دارد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. تأثیر اختلاف قرائات در تفسیر آیه به لحاظ فقهی (لسانی فشارکی، ۱۳۷۱: ۵۹۴-

۱. «و جاءت سكرة الحق بالموت» به جای ﴿وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ﴾ (ق: ۱۹).

که به ائمه هدی علیهم‌السلام منتسب است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹، ۲۱۴) این قرائت را که نشانه تغییر و تحریف است، دیگر مفسران شیعه قبل از طبرسی چون علی بن ابرهیم قمی (قمی، ۱۳۶۷: ۲، ۳۲۴؛ کریمی نیا، ۱۳۸۵: ۱۴) و شیخ طوسی (طوسی، بی‌تا: ۹، ۳۶۵) نیز بدون ذکر سند آورده‌اند. شیخ طوسی این قرائت را به ابن مسعود نیز نسبت می‌دهد (همان، ۶، ۲۶۲) ابن حجر عسقلانی هم این قرائت را به ابوبکر، طلحة بن مصرف و امام زین العابدین علیهم‌السلام نسبت داده است (عسقلانی، بی‌تا: ۹، ۲۴) شیخ طوسی به روشنی تصریح می‌کند که معنای آیه این گونه است که گویی در آیه قلب رخ داده است؛ چنان که در آیه «لکل اجل کتاب» برخی گفته‌اند معنای آیه «لکل کتاب اجل» است. به هر حال، به دلیل اینکه مرحوم طبرسی این قرائت را در بحث «القرائة» بدون سلسله سند از اهل بیت علیهم‌السلام نقل کرده و سند آن به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نمی‌رسد، نمی‌توان آن را قرائت صحیح دانست. طبرسی با اینکه اختلاف قرائت را تحریف قرآن نمی‌داند، باز هم این قرائت را که از نظر اغلب علمای شیعه منجر به تحریف می‌شود، در معنا و تفسیر آیه دخالت نداده و آیه را بر اساس آن تفسیر نکرده است.

۲. قرائت به تغییر: «لتصیین» به جای ﴿لَا تُصِیْبَنَّ﴾ (انفال: ۳۵) که قرائت امیر

المؤمنین علیهم‌السلام و امام باقر علیه‌السلام شمرده شده است (طبرسی، ۴، ۸۱۸). مرحوم طبرسی این قرائت خلاف مشهور را در بحث «القرائة» از دو امام بدون ذکر سند نقل کرده، ولی در تفسیر آیه به آن اعتنایی نکرده است؛ گرچه این اختلاف قرائت در معنای آیه تفاوت چندانی ندارد؛ زیرا طبق قرائت مشهور «لتصیین» با لای ناهیه و نون تأکید ثقیله خوانده شده که برای تأکید نهی است و آیه در صدد برحذر داشتن همه مؤمنان از فتنه فراگیری است که مربوط به کفار و مشرکان نیست. اما در قرائت منسوب به ائمه علیهم‌السلام لام در «لتصیین» برای قسم و نون ثقیله برای تأکید است و تقدیر آیه چنین است: «وَأَتَّقُوا فِتْنَةً أَقْسِمُ لَتُصِیْبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً» و واژه «خاصة» در این قرائت، حال از فتنه است و معنا چنین است: ای مؤمنان از فتنه‌ای که مختص ستمکاران از شماست، بپرهیزید؛ بنابراین، بر اساس هر دو قرائت، آیه شریفه همگان را به تقوا و حذر از دچار شدن در فتنه امر می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹، ۵۱-۵۲؛ فاکر میبیدی، ۱۰۵). پس به‌رغم اینکه این قرائت

مخالف در معنای آیه تأثیری ندارد، چون بدون سلسله سند بوده و مستند به پیامبر ﷺ نیست، قابل اعتنا نمی‌باشد و نمی‌توان آن را قرائت صحیح تلقی کرد.

۳. قرائت به تغییر: «و نادى نوح إبنه» به جای «و نادى نوح إبنه» (هود: ۴۲) قرائت منتسب به حضرت علی علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵، ۲۴۳). مرحوم طبرسی این قرائت را در بحث «القراءة» بدون سند از این سه امام علیه السلام نقل کرده، ولی این قرائت را در تفسیر آیه که منجر به تغییر معنای آیه شود، مورد توجه قرار نداده است؛ زیرا بر اساس قرائت «و نادى نوح إبنها» یا «و نادى نوح إبنه» [۴] یعنی به فتح هاء، مخفف «ابنها» و منظور از ضمیر «ها» همسر نوح است، گفته‌اند همسر نوح از غیر نوح باردار شده و فرزند را به فراش نوح ملحق کرده است. با این قرائت دیدگاه حسن بصری تأیید می‌شود. وی معتقد است پسر غرق شده، فرزند نوح نبوده است، بلکه ربیبه وی یا نامشروع بوده است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲، ۳۹۶؛ فاکر میبدی، همان). این قرائت ناشی از روایتی است که سیوطی از ابن انباری در مصاحف نقل کرده (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳، ۳۳۴) و عکرمه آن را توجیه کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵، ۲۴۶)؛ بنابراین همان‌طور که علامه طباطبایی فرموده، این قرائت‌ها را به اهل بیت علیه السلام نسبت داده‌اند. پس چون صدور روایت از سه امام و پیامبر ﷺ قطعی نیست و از کتب اهل سنت به تفاسیر شیعه راه یافته، نمی‌توان آن را قرائت صحیح به‌شمار آورد.

۴. قرائت به تبدیل «أ فلم يتبين» به جای «أ فلم يَأْسِ» (رعد: ۳۱). این قرائت نیز به علی، امام سجاد علیه السلام، زید بن علی و امام صادق علیه السلام منتسب است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶، ۴۴۹). اما اینکه مراد از علی در اینجا کیست، مشخص نیست؛ زیرا در متن چنین آمده «قرأ علی و ابن عباس و علی بن الحسین علیه السلام و زید بن علی و جعفر بن محمد و ابن اُبی ملیکة و عکرمة و الجحدری و أبو یزید المزنی «أ فلم يتبين» و القراءة المشهورة «یأس»» (همان). مرحوم طبرسی در بحث «الحجة» از قول ابن جنی نقل می‌کند که قرائت «أ فلم يتبين» تفسیر «أ فلم يَأْسِ الَّذِينَ آمَنُوا» است.

بنابراین، اگر این قرائت را تفسیر هم ندانیم، باز هم تأثیر چندانی در معنای آیه ندارد و باعث تحریف نمی‌شود؛ زیرا چنانچه وی از قول ابن جنی در ادامه می‌گوید: بعید نیست که این معنا، با معنای یأس نزدیک باشد، زیرا هنگامی که کسی به جست‌وجوی مطلبی

پرداخت و آن را تحقیق و اثبات کرد، مثل کسی که از چیزی مأیوس شده باشد، آن را رها کرده، به دنبال مطلبی دیگر می‌رود (همان). این روایت نیز مانند روایات قبل بدون ذکر سلسله سند است و صدور آن از سه امام و پیامبر ﷺ قطعی نیست؛ لذا نمی‌تواند قرائت صحیح باشد.

۵. قرائت به تبدیل «تبیینت الإنس» به جای «تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ» (سبأ: ۱۴). این قرائت در مجمع البیان جزء قرائت‌های شاذ ابن عباس و ضحاک و منسوب به دو امام حضرت زین العابدین (علیه السلام) و حضرت صادق (علیه السلام) است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸، ۵۹۵). ایشان دلیل این قرائت را در بحث «الحجة» چنین بیان می‌دارد: «و أما قوله تبينت الإنس فمعناه تبينت الإنس أن الجن لو كانوا يعلمون الغيب ما لبثوا في العذاب و هكذا هو في مصحف عبد الله و يؤول إلى هذا المعنى قراءة يعقوب «تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ» یعنی: و اما قول او (تبينت الانس) پس معنایش این است که برای مردم معلوم شد که اگر جنیان علم غیب داشتند در شکنجه نمی‌ماندند، در مصحف عبدالله ابن مسعود نیز همین قرائت آمده و به این معنا قرائت یعقوب «تبينت الجن» تأویل شده است (فاکر میبدی، ۱۰۶). شیخ طوسی نیز آیه را بر اساس این قرائت تفسیر کرده است (طوسی، بی‌تا: ۸، ۳۸۴).

مرحوم طبرسی نیز در بحث تفسیری می‌فرماید: «فَلَمَّا خَرَّ» أَى سَقَطَ سَلِيمَان مِيتَا «تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ» أَى ظَهَرَتِ الْجِن فَانْكَشَفَ لِلنَّاسِ «أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ» معناه فی الأعمال الشاقة (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶، ۶۰۱)، اما مرحوم طبرسی در مقدمه تفسیر در «الفن الثانی» دیدگاه شیخ طوسی را که اختلاف قرائت را امری جایز می‌داند آورده است، بدون اینکه آن را دلیل بر تحریف قرآن بداند.

بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که از نظر هر دو مفسر بزرگوار نقل اختلاف قرائت‌ها، چه از جانب قاریان معروف هفتگانه و ده‌گانه و چه منسوب به ائمه اطهار (علیهم السلام) دال بر تحریف قرآن نیست (کریمی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴).

۶. قرائت به کاستی «يسألونك الأنفال» به جای «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ» (انفال: ۱). این قرائت به سه امام، حضرت زین العابدین (علیه السلام)، حضرت باقر (علیه السلام) و حضرت صادق (علیه السلام) و همچنین به زید بن علی و برخی دیگر مثل عبدالله بن مسعود، سعد بن ابی وقاص و طلحه

قراءات منسوب به اهل بیت (ع) در مجمع البیان *قراش پڑھی* / ۹۷

بن مصرف نسبت داده شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴، ۷۹۵). طبرسی دلیل این قرائت را از قول ابن جنی می‌گوید: از این قرائت می‌توان فهمید که سؤال از انفال که مفاد قرائت مشهور است نیز به منظور درخواست انفال بوده و غرض آنها از سؤال این بوده است که انفال را تصاحب کنند (همان). این قرائت را شیخ طوسی نیز در التبیان بدون ذکر سند به اهل بیت علیهم‌السلام نسبت داده است (طوسی، بی‌تا: ۵، ۷۱-۷۲). البته اشاره شیخ طوسی به قرائت اهل بیت علیهم‌السلام مبتنی بر روایاتی است که در تفاسیر پیش از وی آمده است. در تفسیر نعمانی چنین آمده است: «عن احمد بن محمد بن عقدة عن جعفر بن احمد بن یوسف عن اسماعیل بن مهران عن حسن بن علی بن ابی حمزة عن ابیه عن اسماعیل بن ابی جابر عن ابی عبدالله قال: ... قال الله تعالى: یسئلونک الانفال قل الانفال لله وللرسول، فحرفوها و قالوا یسئلونک عن الانفال» (نوری، ۱۳۸۷: ۷، ۳۰۰).

همچنین این قرائت (با حذف عن) را طبری در جامع البیان به ابن مسعود نسبت داده، می‌گوید: «... و قالوا: قد کان ابن مسعود یقرؤه: (یسألونک الأنفال) علی هذا التأویل. ذکر من قال ذلك. حدثنا ابن بشار، قال: ثنا مؤمل، قال: ثنا سفیان، عن الأعمش، قال: کان أصحاب عبد الله یقرءونها: (یسألونک الأنفال). حدثنا ابن وکیع، قال: ثنا المحاربی، عن جویبر، عن الضحاک، قال: هی فی قراءة ابن مسعود یسألونک الأنفال» (طبری؛ ۱۴۱۳: ۹، ۱۱۸).

گرچه قرائت «یسئلونک الانفال» در تفسیر مجمع البیان بدون سند به اهل بیت علیهم‌السلام منسوب است، در منابع دیگر با سند بیان شده است.

در تفاوت این دو قرائت باید گفت: گفته شده کلمه «عن» یا در قرائت مشهور زائد است یا در قرائت شاذ در تقدیر است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹، ۷) بر اساس قرائت مشهور آیه دلالت دارد بر اینکه میان افراد مورد اشاره در آیه منازعه و مخاصمه بوده است که هر یک مدعی درستی سخن خود بودند و تفریعی که در ادامه آیه آمده و فرموده است: ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ﴾ دلالت دارد بر اینکه مورد خصومت انفال بوده است و پرسشی که در ابتدای سوره بدان اشاره شده، برای قطع این خصومت آمده است. گویا اینان در امر انفال مخاصمه کردند و برای قطع آن نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رفتند تا مرتفع شود و این مؤید قرائت مشهور است؛ زیرا هرگاه سؤال به «عن» متعدی شود، به معنای استعلام حکم و خبر

است، اما اگر خود به خود متعدی باشد به معنای استعطف (درخواست) است (همان، ۸). بنابراین، چون طبرسی این روایت را بدون ذکر سند بیان داشته و انتساب آن به معصوم و پیامبر علیه السلام قطعی نیست و از طرفی قبل از طبرسی در تفاسیر اهل سنت با سند آمده، می‌توان گفت که این روایت منتقله است و نمی‌توان آن را قرائت درست تلقی کرد، بلکه باید گفت قرائت درست قرائت با «عن» است؛ همان‌گونه که شیخ طوسی نیز آن را با ذکر سلسله سند از اهل بیت علیهم السلام از تفاسیر پیشین نقل کرده است.

۷. قرائت «يُحْكَمْ بِهِ ذُو عَدْلٍ مِنْكُمْ» به جای «يُحْكَمْ بِهِ ذُو عَدْلٍ مِنْكُمْ» (مأذنه: ۹۵) که به دو امام حضرت باقر علیه السلام و حضرت صادق علیه السلام منسوب است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳، ۳۷۵؛ ستوده‌نیا، ۱۳۸۲: ۴۱-۱۰۸؛ دیاری بیدگلی، ۱۳۸۷: ۲۰۵) گرچه در مجمع البیان بدون ذکر سند آمده، در الکافی با ذکر سلسله سند از امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام به صورت زیر نقل شده است: «عَلِي بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - ذُو عَدْلٍ مِنْكُمْ قَالَ الْعَدْلُ رَسُولُ اللَّهِ ص وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِهِ ثُمَّ قَالَ هَذَا مِمَّا أَخْطَأْتُ بِهِ الْكِتَابُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴، ۳۹۶). نیز در روایت دیگر آمده است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - يُحْكَمْ بِهِ ذُو عَدْلٍ مِنْكُمْ قَالَ الْعَدْلُ رَسُولُ اللَّهِ ص وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِهِ ثُمَّ قَالَ هَذَا مِمَّا أَخْطَأْتُ بِهِ الْكِتَابُ» (همان، ۳۹۷).

بر اساس، هر دو روایت هر دو امام می‌فرمایند: آیه «ذُو عَدْلٍ مِنْكُمْ» بوده است و در ادامه فرمودند: «هَذَا مِمَّا أَخْطَأْتُ بِهِ الْكِتَابُ» یعنی این از اشتباهات نویسندگان است. از ظاهر عبارت مرحوم طبرسی که ذیل بحث «الحجة» آمده است، روشن می‌شود که ایشان قرائت مشهور را پذیرفته است و گفتار امام باقر و امام صادق علیه السلام را به عنوان مراد آیه می‌داند. وی می‌گوید: «قد وجدت في تفسير أهل البيت منقولاً عن السيدين عليهم السلام أن المراد بذى العدل رسول الله ص و أولى الأمر من بعده» (طبرسی، ۱۳۷۳: ۳، ۳۷۵).

بنابراین، اولاً از آنجا که روایت در مجمع البیان بدون ذکر سند است، قابل اعتنا نیست. ثانیاً برفرض اینکه آن را مستند هم بدانیم مربوط به قرائت نمی‌شود، بلکه تفسیر و مراد آیه است؛ همان‌گونه که مرحوم طبرسی بدان تصریح کرده است. ثالثاً اگر ادامه روایت را که فرمود: «هَذَا مِمَّا أَخْطَأْتُ بِهِ الْكِتَابُ» در نظر بگیریم، باز هم به نظر می‌رسد این قرائت

قراءات منسوب به اهل بیت (ع) در مجمع البیان *قرائت‌پژوهی* / ۹۹

باعث تحریف قرآن نمی‌شود؛ چنانکه علامه طباطبایی تغییر در اعراب، نقطه و امثال آن را می‌پذیرد و این مقدار از تغییر را مضر به صیانت قرآن از تحریف نمی‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲، ۱۰۷).

۸. قرائت «التائبین العابدین» با «یاء» تا آخر آیه به جای «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ...» (توبه: ۱۱۲) که به دو امام حضرت باقر (علیه السلام) و حضرت صادق (علیه السلام) منسوب است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵، ۱۱۲). مرحوم طبرسی در این زمینه می‌نویسد: در قرائت ابی و عبدالله بن مسعود و اعمش «التائبین العابدین...» تا آخر نه صفت به «یاء» خوانده شده است و این از ابوجعفر و ابو عبدالله (علیه السلام) روایت شده است. وی سپس به توجیه ادبی پرداخته، می‌نویسد: رفع در «التائبون العابدون» بنابر استیناف جمله یا بنابر مبتدا بودن و حذف خبر آن است، اما «التائبین العابدین» ممکن است مجرور و صفت برای مؤمنین در اول آیه قبل باشد یا منصوب بنابر اضممار اُعنی و اُمدح باشد، (همان)؛ بنابراین، به‌خوبی ملاحظه می‌شود که این اختلاف قرائت هرچند در توجیه ادبی با قرائت مشهور متفاوت است، تأثیر چندانی در معنای تفسیری آیه ندارد، از سوی دیگر، این قرائت بدون سند است و نمی‌تواند قرائت صحیح تلقی شود.

۹. قرائت «له معقبات من خلفه و رقیب من بین یدیه یحفظونه بأمر الله» به جای قرائت «لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ» (رعد: ۱۱) که این قرائت به حضرت علی (علیه السلام) و حضرت امام صادق (علیه السلام) منسوب است (همان، ۶، ۴۲۸). قرائت «بأمر الله» به جای «من أمر الله» در متون روایی و تفسیری شیعه بسیار مشهور است. منشأ این سخن روایتی از امام صادق (علیه السلام) است که علی بن ابراهیم قمی آن را نقل کرده است: «و قوله لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّهَا قُرِئَتْ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ص فَقَالَ لِقَارِئِهَا أَلَسْتُمْ عَرَبًا فَكَيْفَ تَكُونُ الْمُعَقَّبَاتُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ إِنَّمَا الْمُعَقَّبُ مِنْ خَلْفِهِ، فَقَالَ الرَّجُلُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ! كَيْفَ هَذَا؟ فَقَالَ: إِنَّمَا نَزَلَتْ «لَهُ مُعَقَّبَاتُ مِنْ خَلْفِهِ وَ رَقِيبٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ يَحْفَظُونَهُ بِأَمْرِ اللَّهِ» (قمی، ۱۳۶۷: ۱، ۳۶۰). در محضر امام صادق (علیه السلام) این آیه خوانده شد، امام به قاری فرمود: «مگر شما عرب نیستید؟ چگونه معقبات، من بین یدیه (پیشاپیش) می‌تواند باشد؟ معقبات همیشه از پشت سر (من خلفه) است». مرد گفت: «فدایت شوم! پس این آیه چگونه است؟» فرمود: «آیه چنین نازل شده

است: له معقبات من خلفه و رقیب بین یدیه یحفظونه بأمر الله ...».

مرحوم طبرسی روایت امام صادق (ع) را به‌طور کامل در بحث قرائات تفسیر خود گنجانده و از آن کارکرد صرفاً قرائتی منظور داشته است. وی همچنین می‌افزاید: قرائت «یحفظونه بأمر الله» از علی (ع)، ابن عباس، عکرمه و زید بن علی نیز نقل شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶، ۴۲۸).

شیخ طوسی این دسته روایات ناظر به نحوه قرائت خاص ائمه (ع) را هیچ‌گاه در ضمن قرائات معروف قرآء هفت‌گانه یا ده‌گانه ذکر نکرده است. چنین قرینه‌ای نشان می‌دهد که کارکرد این دسته روایات از نظر وی، صرفاً تفسیری و به منظور شرح و بیان مدلول آیه بوده است. شیخ طوسی به صراحت، این موارد را از قبیل تفسیر و بیان آیه می‌داند. وی ذیل آیه ﴿لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ﴾ پس از ذکر معانی و بیانات مختلف از مفسران و ادبا، نوشته است: «و فی تفسیر أهل البيت انّ معناه یحفظونه بأمرالله» (طوسی، بی‌تا: ۶، ۲۲۸). بنابراین، گرچه مرحوم طبرسی قرائت «یحفظونه بأمر الله» را از دو امام نقل کرده، از آنجا که در تفسیرش در بحث قرائت، قبل از نقل این روایت همین قرائت را از ابو برهسم - صاحب قرائات شاذ - ذکر کرده است، می‌توان فهمید که این قرائت شاذ است. اگر به معصوم هم نسبت داده شده، بدون سند است. گذشته از آن، طبرسی این روایت را فقط در مبحث قرائات آورده است، بدون اینکه آن را در معنا و تفسیر آیه دخالت داده باشد و آیه را براساس آن تفسیر کند. شیخ طوسی نیز این قرائت را به‌عنوان قرائت مشهور که منقول از امام باشد، نمی‌پذیرد، بلکه «یحفظونه بأمر الله» را به‌عنوان تفسیر و معنای آیه دانسته، نه قرائت دیگر که خلاف مشهور و منصوص از ائمه (ع) باشد.

۱۰. قرائت «خالفوا» به جای ﴿وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا...﴾ (توبه: ۱۱۸). این قرائت

به سه امام، حضرت زین العابدین (ع)، حضرت باقر (ع) و حضرت صادق (ع) منسوب است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵، ۱۱۸). این نیز روایتی معروف است که در میان تفاسیر کهن شیعی ظاهراً نخستین بار علی بن ابراهیم قمی آن را آورده و آن را از امام کاظم با تعبیر «فقال العالم (ع)» نیز نقل کرده است (قمی، ۱۳۶۷: ۱، ۲۹۷).

شیخ طوسی ذیل همین آیه در اینکه این سه تن چه خلاف یا تخلفی کرده‌اند، آرای مختلفی را ذکر کرده، در پایان می‌نویسد: «و فی قرآءة أهل البيت: خالفوا لأنهم لو خلفوا لما

قراءات منسوب به اهل بیت (ع) در مجمع البیان *قراست‌پژوهی* / ۱۰۱

تَوَجَّهَ عَلَيْهِمُ الْعُتْبُ» (طوسی، بی تا: ۵، ۳۱۶). در این میان، نحوه استفاده شیخ طوسی از این روایت با شیوه نقل آن در مجمع البیان بسیار متفاوت است. شیخ طوسی به صراحت، از این روایت در بیان مفاد و تفسیر آیه بهره می‌گیرد، نه آن را دالّ بر تحریف قرآن می‌داند و نه حتی مضمون روایت را از قبیل اختلاف قراءات می‌شمارد. به عکس، طبرسی در میانه مباحث مربوط به اختلاف قراءات می‌نویسد: امام زین العابدین، امام باقر، امام صادق علیهم السلام و ابوعبدالرحمن سلمی این آیه را «خالفوا» خوانده‌اند.

البته گرچه مرحوم طبرسی قرائت «خالفوا» را - که مخالف قرائت مشهور است - هم در بحث اختلاف قراءات و هم در معنا و تفسیر آیه از اهل بیت علیهم السلام ذکر کرده است، می‌توان گفت وی این قرائت را از تفاسیر قبلی گرفته است. دیگر اینکه وی برای روایتی که این قرائت در آن آمده، سندی ذکر نکرده است تا انتساب آن به معصوم علیه السلام مسلم باشد و قرائت صحیح منقول از پیامبر صلی الله علیه و آله به‌شمار آید.

نتیجه

از مطالب گذشته می‌توان چنین نتیجه گرفت:

۱. مرحوم طبرسی، جمعا یکصد و چهل و پنج روایت پیرامون اختلاف قراءات منسوب به معصومان علیهم السلام را در تفسیر مجمع البیان نقل کرده است. که صد و چهل و چهار روایت آن، بدون سند است.

۲. مجموع روایات اهل بیت علیهم السلام به تفکیک عبارت است از: ده روایت از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، یک روایت از فاطمه زهرا علیها السلام، پنجاه و پنج روایت از علی بن ابیطالب علیه السلام، دوازده روایت از امام زین العابدین علیه السلام، بیست و پنج روایت از امام باقر علیه السلام و سی و هشت روایت از امام صادق علیه السلام؛ براین اساس، بیشترین روایت به امام علی علیه السلام و کمترین روایت به فاطمه زهرا علیها السلام منسوب است. شایان ذکر است که این روایات در مجمع البیان فقط تا زمان صادقین علیهم السلام ذکر شده است و پس از آن، از هیچ یک از امامان علیهم السلام نقل نشده است.

۳. شمار روایات شاذ شانزده روایت نقل شده، و صد و بیست و نه روایت دیگر غیرشاذ است.

۴. آمار روایاتی که روایت حفص از عاصم با آنها مطابقت دارد، هشت روایت و در صد و سی و چهار مورد دیگر قرائت حفص از عاصم با روایات ناسازگار است.

۵. مرحوم طبرسی، در پنجاه و دو سوره تنها اختلاف قرائات را متذکر شده است، بدون آنکه روایتی از معصوم علیه السلام برای آنها ذکر کرده باشد. در هشت سوره از قرآن هیچ‌گونه اختلاف قرائتی در مجمع البیان مطرح نشده است؛ که عبارتند از: جمعه، شرح، تین، علق، عصر، کوثر، نصر و فلق.

۶. تعداد هفتاد و هشت روایت از روایاتی که مرحوم طبرسی در اختلاف قرائات از اهل بیت علیهم السلام نقل کرده، مرحوم محدث نوری در کتاب «فصل الخطاب» آنها را مورد استناد قرار داده و دال بر تحریف دانسته است. اما علامه عسکری در جلد سوم کتاب «القرآن الکریم وروایات المدرستین» همه مستندات وی را با دلایلی مردود و بی‌اساس شمرده است.

۷. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این روایات یا در حوزه اختلاف قرائاتی است که به صیانت قرآن از تحریف لطمه نمی‌زند؛ مانند قرائت «لتصیین» به جای «لاتُصیین»؛ یا در مقام بیان معنا و تفسیر آیه است که از روی سهل‌انگاری به‌عنوان اختلاف قرائات مطرح شده است؛ مانند قرائت «بأمرالله» به جای «من أمر الله» در آیه ۱۱ سوره رعد؛ یا از تفردات خلیفه دوم بوده و برای اینکه مورد پذیرش دیگران قرارگیرد، به اهل بیت علیهم السلام منسوب گردیده است؛ مانند قرائت «حی القیام» به جای «حی القیوم»، و قرائت «وَمِنْ عِنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ» به جای «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ».

ضمائم

جدول شماره ۱: جدول تطبیقی فراوانی قرائت‌ها در روایات منسوب به اهل بیت علیهم السلام

ردیف	روایات اهل بیت علیهم السلام	تعداد روایات
۱	اهل بیت علیهم السلام	۳
۲	ائمه الهدی علیهم السلام	۱
۳	نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم	۱۰
۴	فاطمه زهراء علیها السلام	۱
۵	علی بن ابیطالب علیه السلام	۵۵
۶	امام زین العابدین علیه السلام	۱۲

قراءات منسوب به اهل بیت (ع) در مجمع البیان / ۱۰۳

۷	امام باقر علیه السلام	۲۵
۸	امام صادق علیه السلام	۳۸
	مجموع کل روایات	۱۴۵

جدول شماره ۲: جدول تطبیقی قرائت حفص و قرائت منسوب به اهل بیت علیهم السلام مطابق

با حفص

ردیف	سوره	آیه	روایت	قراءت حفص از عاصم	قراءت اهل بیت علیهم السلام
۱	اعراف	۱۲۷	حضرت علی علیه السلام	وَ يَذْرَکْ وَ اِلَھْتِکْ	و یدرک و الہتک
۲	یوسف	۱۱۰	امام علی علیه السلام ؛ امام زین العابدین علیه السلام ؛ امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام	وَ ظَنُّوا اَنھُمْ قَدْ کَذَبُوا	وَ ظَنُّوا اَنھُمْ قَدْ کَذَبُوا
۳	محمد	۲۲	حضرت علی علیه السلام	فَھَلْ عَسَیْتُمْ اِنْ تَوَلَّیْتُمْ	فَھَلْ عَسَیْتُمْ اِنْ تَوَلَّیْتُمْ
۴	انبیاء	۹۵	امام صادق علیه السلام	وَ حَرَامٌ عَلٰی قَرْیَہ	وَ حَرَامٌ عَلٰی قَرْیَہ

جدول شماره ۳: جدول تطبیقی قرائت مشہور و قرائت شاذ

ردیف	سوره	آیه	روایت	قراءت مشہور (روایت حفص از عاصم)	قراءت شاذ
۱	بقرہ	۲۳۴	روایت شاذ از حضرت علی علیه السلام	یَتَوَفَّوْنَ	یَتَوَفَّوْنَ
۲	آل عمران	۲	قراءت شاذ از عمر بن خطاب، امام صادق علیه السلام و نبی مکرم اسلام صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم	اَلْحٰی الْقِیَوْمُ	الحی القیام

۳	توبه	۱۹	قرائت شاذ از امام باقر علیه السلام	أَجَعَلْتُمْ سِقَابَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ	أَجَعَلْتُمْ سِقَابَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
۴	رعد	۴۳	قرائت از نبی صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام	وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ	وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ بِه كَسْر مِيم و دال
۵	ابراهیم	۴۶	قرائت شاذ از علی علیه السلام	وَإِنْ كَانَ مَكْرَهُمْ	وَإِنْ كَانَ مَكْرَهُمْ
۶	كهف	۸۲	قرائت شاذ از نبی صلی الله علیه و آله	وَأَمَّا الْجِدَارُ	جداراً
۷	مؤمنون	۶۰	قرائت شاذ از نبی صلی الله علیه و آله	وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا ءَاتَوْا	يَأْتُونَ مَا آتَوْا (مقصور)
۸	فرقان	۳۶	قرائت شاذ از مسلم بن محارب و روایت از علی علیه السلام	فَدَمَّرْنَاهُمْ	فَدَمَّرْنَاهُمْ
۹	سجده	۱۷	روایت شاذ از پیامبر صلی الله علیه و آله	مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ	قُرَّتْ أَعْيُنٍ
۱۰	سبا	۱۴	قرائت شاذ از ابن عباس، قرائت امام زین العابدین علیه السلام و امام صادق علیه السلام	تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ	تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ
۱۱	ق	۱۹	روایت از ائمه علیهم السلام	وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ	وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْحَقِّ بِالْمَوْتِ
۱۲	لیل	۳	قرائت شاذ از نبی صلی الله علیه و آله ، علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام	وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثَى	وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثَى
۱۳	ضحی	۳	قرائت شاذ از نبی صلی الله علیه و آله	مَا وَدَّعَكَ	مَا وَدَّعَكَ

قراءات منسوب به اهل بیت (ع) در مجمع البیان *قائمه پژوهی* / ۱۰۵

مجموع کل روایات اهل بیت (علیهم السلام) در مجمع البیان: ۱۴۵

۷۸	تعداد روایات دال بر تحریف از نظر حاجی نوری
۱۶	تعداد روایات شاذ
۱۲۹	تعداد روایات غیرشاذ
۸	تعداد روایات مطابق با روایت حفص
۱۳۴	تعداد روایات مخالف با روایت حفص
۱۴۴	تعداد روایات بدون سند
۱	تعداد روایات با سند
۵۲	تعداد سور با اختلاف قرائت و بدون روایت
۸	تعداد سور بدون اختلاف قرائت

پی‌نوشت‌ها:

[۱] برای اطلاع بیشتر ر.ک: زرکشی، ۱، ۴۲۸-۴۶۵؛ دیاری بیدگلی، درآمدی بر تاریخ علوم قرآنی، ۶۴-۸۲

[۲] دکتر محمد حسین علی الصغیر در این باره چنین آورده است: «تظل القضية قضية تاريخية فحسب، إذ القرآن المعاصر الذي اجمع عليه العالم الاسلامي و هو ذات القرآن الذي نزل به الوحي على رسول الله ﷺ مرقوم برواية حفص لقراءة عاصم بن ابي النجود الكوفي، باستثناء المغرب العربي الذي اعتمد قراءة نافع المدني برواية ورش» (الصغیر، ۱۴۱۳: ۱۱۰-۱۱۱).

[۳] شماری از مستشرقان اختلاف قرائات را به معنای راهیافت تحریف در قرآن دانسته‌اند؛ چنان‌که رژی بلاشر نیز از برخی از خاورشناسان نقل کرده که اختلاف قرائات قرآن را به معنای نفی قداست قرآن برشمرده‌اند (رضوان، ۱۴۱۳: ۱، ۱۱۳؛ الصغیر، ۱۴۱۳: ۳۲؛ عنایت، ۱۹۹۶: ۱۳۵-۱۳۷).

[۴] این قرائت از مواردی است که در نرم افزار جامع التفاسیر و نسخه خطی مجمع البیان اختلاف دارد، در نسخه خطی همین قرائت ذکر شده است ولی در نرم افزار به قرائت مشهور اشاره شده است.

منابع

- ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین (بی تا)، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، بیروت، دارالمعرفة.
- احسان فر لنگرودی، محمد (۱۳۸۵ش)، *اسباب اختلاف الحدیث*، قم، دارالحدیث.
- حجتی، سید محمد باقر (۱۳۸۲ش)، *پژوهشی در تاریخ قرآن کریم*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دیاری بیدگلی، محمد تقی و نانسی ساکی (۱۳۹۱ش)، *نگرشی تاریخی - روایی در باب اختلاف قرائت «مالک» / «ملک» بر اساس تفاسیر فریقین*، کتاب قیم، ش ۵.
- دیاری بیدگلی، محمد تقی (۱۳۸۷ش)، *درآمدی بر تاریخ علوم قرآنی*، قم، دانشگاه قم، چاپ دوم.
- دیاری بیدگلی، محمد تقی (۱۳۹۰ش)، *آسیب شناسی روایات تفسیری*، تهران، سمت.
- رستم نژاد، مهدی (۱۳۹۰ش)، *پژوهش تطبیقی در روایات تفسیری فریقین*، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر جامعه المصطفی العالمیه.
- رضوان، عمر بن ابراهیم (۱۴۱۳ق)، *آراء المستشرقین حول القرآن الکریم*، ریاض، دار طیبه.
- زرکشی، بدرالدین (۱۴۱۵ق)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالمعرفه، چاپ دوم.
- زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۰ق)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالمعرفه.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دار الکتاب العربی.
- ستوده نیا، محمدرضا (۱۳۸۲ش)، *تأثیر قرائت بر تفسیر*، (پایان نامه) راهنما سید محمد باقر حجتی، دانشگاه قم.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی التفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- شریعت، محمدجواد (۱۳۷۰ش)، *چهارده روایت در قرائت قرآن مجید*، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- صغیر، محمد حسین علی (۱۴۱۳ق)، *المستشرقون و الدراسات القرآنیه*، قم، دفتر تبلیغات

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
 طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
 طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
 طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۵ق)، *رجال الطوسی*، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 عنایت، غازی (۱۹۹۶م)، *شبهات حول القرآن و تفنیدها*، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
 فاکر میبدی، محمد، *اختلاف قرائات و نقش آن در تفسیر از دیدگاه علامه طباطبایی*، قرآن شناخت، ش ۲.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ش)، *تفسیر القمی*، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتاب.
 کریمی نیا، مرتضی (۱۳۸۵ش)، *اختلاف قرائت یا تحریف قرآن نگاهی به نقل روایات شیعه در تفسیر تبیان*، علوم حدیث، سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۰.
 کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

لسانی فشارکی، محمد علی (۱۳۹۱ش)، *قراء سبعه و قرائات سبعه*، تهران، اسوه.
 مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 معرفت، محمد هادی (۱۴۱۱ق)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
 مؤدب، سید رضا (۱۳۷۸ش)، *نزول قرآن و رؤیای هفت حرف*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
 نصیری، علی (۱۳۸۷ش)، *اختلاف قرائات و تحریف قرآن*، معارف، ش ۶۰.
 نوری (محدث نوری)، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک وسایل الشیعه و مستنبط المسائل*، قم، موسسه آل البيت (علیه السلام) لاحیاء التراث، الطبعة الاولى.